

ضمیمه تحریرات طرح

هنری پرشت

امیرفیض- حقوقدان

در جریان تحقیق به موردی در رابطه با طرح هنری پرشت که همان تحمیل محرومیت سیاسی اعتقادی اعلیحضرت هست، مواجه شدم که بهتر است ضمیمه طرح مزبور گردد.

نخست واکنش اعلیحضرت

تا آنجا که بیاد دارم؛ در تحریرات درباره طرح هنری پرشت به واکنش اعلیحضرت نسبت به طرح مزبور اظهاری ارائه نشده است؛ البته واکنش عملی در جهت تسلیم به طرح بسیار بوده است ولی مقصود از واکنش در این تحریر واکنش بیانی است.

با جستجویی که در آرشیو سنگر بعمل آمد (ناگفته پیداست که آرشیو سنگر نمیتواند نسبت به موضوع، ادعای جامعیت داشته باشد) تنها یک مورد است که باتفاق به این تحریر منتقل میشود.

تنها مورد

نخست این توجه بجاست که توقع اظهار تالم ویا اعلام حالت تحریم سیاسی برای شخص تحریم شده کار معمولی نیست ونباید انتظار داشت که شخص گروگان ویا تحت تحریم سیاسی حرف دل وموقعیتش را در همه جا بازگو کند؛ خاصه که شخص تحریم شده گروگان، دارای شخصیت سیاسی وملی بالائی باشد؛ زیرا چنین تحقیری کاملاً منتقل به ملت میشود و اینجاست که شخصیت های سیاسی و نمادین کشور از احساس ناراحتی وحتی تحقیر و سلب آزادی ها خودداری میکنند وبه اصطلاح در خود فرو میریزند. نمونه حاضر آن هتاکي واتهامات تیم امید دانا به اعلیحضرت.

تنها موردی که تحقیق با آن مواجه شده است در مصاحبه رسانه های گروهی ایرانی لوس آنجلس در سال ۱۳۷۹ است که در رابطه با سوال آقای حسین مهری ثبت در سنکر شماره ۳۳۲+۳۲۹ شده است.

آقای مهری سوال کرده است: < آیا مکانیزم های محدود کننده ای برای فعالیت سیاسی شاهزاده وجود دارد، بعنوان مثال؛ آیا شده است که نماینده قدرت ها یا درهمین آمریکا نمایندگان دولت آمریکا با شما تماس بگیرند وخط وراه نمائی هائی برای شما تعیین کنند مثلاً در این مورد سخن نگوئید ویا خودتان را بعنوان رهبری در آینده معرفی نکنید؟> (۱)

پاسخ اعلیحضرت

من هرگز کوچکترین اهمیتی به اینکه این مسئله رادست دولتی هست یا نیست نداده ام، هرچه باشد یادتان باشد زمانی که در قاهره دوسه ماه بعد از فوت پدرم یادتان باشد آن زمانی که حتی نزدیک ترین آدمها به

سمت قاهره جرات نداشت بیاید من نه بخاطر علاقمندی بلکه با خاطر نگرانیها در ببحوجه آن وضعیت آمدم و اعلام مسئولیت کردم؛ البته قرار بود این مسئله از طریق ماهواره پخش شود که لحظه آخرین جلویش را گرفتند. (۲)

نقد بررسی و پاسخ مزبور

(۱)-- سوال آقای مهری (رادیو صدای ایران) ۲۱ سال پس از تاریخ طرح هنری پرشت است و آنطور که از پرسش پیداست آقای مهری ظاهرا از جریان طرح هنری پرشت بی اطلاع بوده است این در حالیست که مدتها قبل یعنی از سال ۶۶ طرح هنری پرشت فاش و درسنگرها مورنقد قرار داشته است و مبنا و مستند طرح هم تصمیم وزارت خارجه و منتشر شده در اسناد سفارت آمریکا بوده است.

ظاهرا، عرض شد زیرا عدم اطلاع صاحبان رسانه های گروهی ایرانی خارج از کشور نسبت به طرح مزبور غیرقابل باور است؛ حتی میتوان گفت که قبل از پیگیری آن از سوی سنگر هم آنها مطلع بوده اند زیرا طرح در اسناد سفارت آمریکا درج است و آن اسناد هم چندین دفعه در ایران تجدید چاپ شده است و بسیار بعید است که فعالین سیاسی از آن بی اطلاع باشند. علت تامه آن است که ایرانیان خارج از کشور خاصه مقیم آمریکا و بیشتر دست اندرکاران مطبوعات، شهروند آمریکا هستند و حق ندارند سندی که عنوان بسیار محرمانه دولت آمریکا را دارد و در بالای آن نوشته شده «فقط چشم ها» یعنی مورد گفتگو هم قرار نگیرد آنرا پخش کنند و یا به آن اعتبار سند سیاسی بدهند. ذکر عبارت «فقط چشم ها» که در این سند بکار رفته و خیلی کم و نادر است که در سند محرمانه دیگری این عبارت ذکر شده باشد یعنی اینکه اگر هم دیدید شتر دیدی ندیدی باشد نه نقد و فراگیری آن.

ولی مع هذا سوال نشان میدهد که احتیاط های زیادی از ناحیه اعلیحضرت در قرار گرفتن در موقعیت قانون اساسی و بی قیدی ایشان نسبت به سوگند سلطنت و بی تفاوتی سلطنت با جمهوری که این آخری برای اولین بار در همان گفت و شنود با رسانه های ایرانی لوس آنجلس مطرح شد؛ این نگرانی عمومی را بوجود آورده بود که اعلیحضرت با محظورات و فشارهای سیاسی خاصی مواجه اند والا اگر چنین نبود طرح چنان سوالی هم مورد پیدا نمیکرد.

یادمان باشد که بعد از سوال آقای مهری سوال مزبور بارها از سوی مصاحبه کنندگان دیگر از جمله آقای ضیا آتابای و قاضی سعید مطرح شد.

این توضیح بنظر لازم است که طبق اسناد موجود آمریکا برخلاف تصور مستقیما سیاست خودش را به شخصیت ها و یا اعلیحضرت ابلاغ نمیکند و آنرا بوسیله رابطین مورد اعتماد ابلاغ مینماید حتی این حقیقت در متن طرح هنری پرشت هم پیاده شده که این طرح باید بوسیله دوستان مشترک آمریکا و شاهنشاه ابلاغ شود که قرعه ابلاغ آن بنام آقای نهانودی صادر و ایشان مامور ابلاغ میگردد؛ در دبیرخانه اعلیحضرت کسانی مانند احمد قریشی و داریوش همایون و فروغی بوده اند که خواسته ها و سیاست آمریکا را بنام مصالح ملی و در راه خیرخواهی بر اعلیحضرت مستولی سازند.

نقد پاسخ اعلیحضرت

(۲)- در پاسخ اعلیحضرت، انکار دیده نمیشود بلکه به واقعیت هایی رجوع فرموده اند که ثبت در تاریخ است و نمونه ای از آزادی فکر و تصمیم اعلیحضرت نسبت به تداوم سلطنت میباشد و همان است که با همه

اصرار نزدیکیان اعلیحضرت و حتی پرسش خبرنگاران در رابطه با خواست احتمالی کارتر قویا اراده قانونی خودشان را درنهم آبان بمنصه ظهور رساندند ولی سوال آقای مهری در رابطه با نقشی است که علیرغم سوگند سلطنت ایفا کردند بوده است؛ که همگی ما نگران همان دوران و محظورات مورد استناد هم آباستن همان زمان تاکنون است نه از زمانی که قانون ایفای تکلیف سوگند سلطنت را برای ولیعهد وقت مقرر کرده است.

اعلیحضرت در همین بیان ساده خودشان اشاره به مطلبی دارند که در همان زمان درسنگر ۳۲۹+۳۳۲ منتشر شده است؛ و آن این است که فرموده اند: **«قرار بود این مسئله (اتیان سوگند سلطنت) از طریق ماهواره پخش شود که لحظه آخرین جلوی را گرفتند»**.

سوال تحقیقی که در همان زمان هم درسنگر مطرح شد و کسی جوابی برای آن نداشت، این است که چه کسی و کدام قدرتی جز بیگانگان میتوانند از پخش سوگند سلطنت اعلیحضرت جلوگیری نمایند؟ سوگند در قاهره اتیان شد و انورسادات هم کسی بود که اعلیحضرت را ترغیب به ایفای وظائف سلطنت میکرد؛ در این ابهام جای کارتر کجاست که قبل از اتیان سوگند سلطنت پیام داده بود که: «مصلحت در ادای سوگند ولیعهد بمناسبت موضوع گروگان ها نیست»، و چون ولیعهد وقت به پیام کارتر اعتنایی نکردند، واکنش تند و فوری دولت آمریکا هم در رابطه با طرح هنری پرشت ممانعت از پخش برنامه سوگند سلطنت اعلیحضرت بود.

چه کسی و کدام کشوری از عدم انتشار سوگند ولیعهد منتفع بود؟

اگر اقدام آمریکا در جلوگیری از انتشار سوگند و اعلام قبول سلطنت، در کنار طرح هنری پرشت قرار گیرد بخوبی معلوم میشود که طرح از همان تاریخ تنظیم در مدار اجرائی قرار داشته و جلوگیری از انتشار سوگند ولیعهد وقت، هم یکی از مراتب اجرائی و شاید هم اولین اقدام همان طرح بوده است.

در همان مصاحبه آقای مهری میتواند با سوالات سنجیده دیگری به روشنی موضوع بازتاب های بهتری بدهد ولی نخواست و یا ندانست.^۱

اعلیحضرت بعد از این فاشگونی بنظر میرسد که قدری متحمل به بیان مطالبی شده اند که نباید به سراغ آن میرفتند (این رویه اعلیحضرت بی سابقه نیست) و در آخرین عبارات مصاحبه خودشان، در بیان اضافی میفرمایند:

«در مورد کشور خودمان هر چه لازم هست دنبال خواهم کرد، این را خواستم بگویم که محدودیت های من هیچ ارتباطی به سازگاری سیاست من با سیاست دولت خاصی از آمریکا یا دولت دیگر ندارد».

در این بیان اعلیحضرت که نمیتوان اعتبار قائم به آن داد؛ زیرا ادعای کسی است که از آزادی های سیاسی اعتقادی خودش محروم است، ولی معهذا اعلیحضرت به وجود محدودیت و محظورات خودشان اعتراف فرموده اند، و با وجود سند صادره از وزارت خارجه آمریکا مبنی بر محدودیت فعالیت اعلیحضرت در مورد تداوم سلطنت نمیتوان محدودیت دیگری را برای اعلیحضرت در حد موقعیتی که توانسته است اعلیحضرت

۱- آقای مهری خبرنگار ماهرو هوشمندی نیست. در بیشتر گفتگو ها پرسش دیگران را که یادداشت کرده است مطرح میکند. خود آقای مهری ابتکار پرسش را در دست ندارد زیرا شنونده خوبی نیست و در هنگام گفتار پاسخ داده شده هواس خود را به چیز دیگری میدهد نه روند گفتگو. ح-ک

را از تصدی سلطنت ووفاداری به سوگند سلطنت بازدارد قائل شد، لذا این قسمت از بیانات اعلیحضرت را میتوان بر مبنای کره و تدلیس و یا رفع رجوع از زیاده روی شناخت و از مدار اعتبار خارج نمود.

نقش بی تفاوتی ایرانیان

در تحریرات قبلی که در رابطه با طرح مزبور انتشار یافت؛ از نقش بی رمق و بیشتر کناره گیری ایرانیان خارج از کشور نسبت به طرح تحریم سیاسی اعلیحضرت صحبت شد. در جریان تحقیق، موردی یافت گردید که میتوان قرینه و نشانی مقتدری باشد از عدم علاقه ما ایرانیان به گفتگو درباره طرح مزبور.

به این جریان بذل التفات بفرمائید:

در تاریخ ۲۷/۸/۷۶ سه تن از اعضای مجاهدین خلق پس از گفتگوی با آقای کلینتون باوی سر میز شام نشستند، سعیده کیهانی عضو سازمان مجاهدین که از شرکت کنندگان در آن اجلاس بود؛ بعدا گفت <فهرست وزارت خارجه آمریکا که در آن مجاهدین به عنوان تروریست خوانده شده اند بی اعتبار است آمریکا دیگر هیچ محدودیتی برای ما اعمال نکرده است.>

(بازخوانی روابط آمریکا و ایران)

این رویدار نشان میدهد که افراد مجاهدین خلق در اولین فرصت و امکاتی که پیدا کرده اند فکرموقعیت رهبر و مبارزه خودشان بوده اند که بتوانند تحریم سیاسی علیه سازمان مجاهدین خلق که از مجرای عنوان لیست وزارت خارجه آمریکا ایجاد شده بود را بردارند و موفق هم شدند.

کنگره همبستگی نصر اصفهانی

در بین سازمان ها و کنگره های ایرانی خارج از کشور تا آنجا که سنگرها نشان میدهد تنها مجاهدین خلق و کنگره همبستگی آقای نصر اصفهانی موفق شده اند که در کاخ سفید حضور یافته و از آن مقام آمریکائی درخواست هائی بنماید و مراتب هم انتشار یافته است.

در این تحریر درخواست و موفقیت مجاهدین خلق را از حضور در کاخ سفید دیدید اکنون نگاهی هم به حضور آقای دکتر نصر اصفهانی در کاخ سفید داشته باشیم.

ایشان در آن ملاقات بنا بر نوشته خودشان از دولت آمریکا درخواست کمک مالی بر همان سبیل که آمریکا به لهستان کمک کرد، را خواستار شدند؛ و حتی یک کلمه درباره اسارت و تحریم سیاسی اعلیحضرت که مظهر مبارزه نجات بخش ایران محسوب میشوند درخواستی و یا اعتراضی نسبت به آمریکا نکرده اند، یعنی آنجا هم که ما ایرانیان موقعیتی برای طرح موضع قانونی و ملی پادشاهمان داریم به خاطر منافع و موقعیت شخصی خودمان کوتاه میانیم کما اینکه آقای نصر اصفهانی به آن منجلا ب کشیده شد.

این روحیه از آقای نصر اصفهانی با داشتن ۹۰ سال سن (دو سال از بنده کمتر) خیلی با معناست و نشان میدهد حتی در شرائطی که بقول مولوی

به هشتاد و نود گرد رسیدی بود مرگی بصورت زندگانی

به خودمان درنمیابیم و در پشت این واقعیت پنهان می‌شویم که ما در این سن و سال و آنهم در جامعه ایرانی نمیتوانیم کسی باشیم و کسی ما را تحویل نمی‌گیرد.^۲

در حالی حتی در ۹۰ سالگی فکرهای نفس و منافع شخصی و خودنمایی هستیم و شخصی که در دامان شاهنشاهی ایران هم بزرگ شده و هم به مقام و نام و جاه رسیده است، ذره ای فکر رفع تحریم و حصر سیاسی پشاهش نیست، یک وقت طرف جوان است خوب می‌گویند جوان است و به دنبال نامش آمده است، ولی چرا باید کسانی در سنین بالا که ته نشین های رژیم سلطنت مشروطه ایران هستند؛ آنقدر بی فکر و بی رمق باشند که با داشتن پیروان ادعائی درسی و چند سازمان یک قدم و یا یک کلام درباره لزوم برچیدن این محرومیت سیاسی اعلیحضرت که یک تحقیر تاریخی و بیسابقه در جهان به ملتی است اقدامی نکند.

کنگنه واشنگتن

تنها در جلسه کاخ سفید واشنگتن نبود که آقای نصر اصفهانی از آن فرصت مطلوب برای رهائی شاه اقدام و استفاده ای نکرد، در کنفرانس واشنگتن که با جمعی از شخصیت های سیاسی و نظامی و از جمله جناب آقای امیراصلان افشار تشکیل شده بود هم که کاملاً مناسب بود در قطعنامه شورا رفع حصر سیاسی اعلیحضرت در صدر خواستهای کنفرانس واشنگتن قرار گیرد اعتنائی نشد و برعکس درست در جهت زوال سلطنت آنرا به همه پرسى وصل کردند، و حاصل کار کنفرانس مزبور آن شد که میخ لُق لاتاری گذاشتن سلطنت کوبیده شد.

گله ناموجه

ما حق نداریم گله کنیم که چرا وضع مبارزه ما بی سروسامان و اتلاف وقت است و ۴۰ سال است درجا می‌زنیم و رسوای دوست و دشمن شده ایم. زیرا همه ما میدانیم که فرهنگ و عادت ما، کوشش ما، شرافت و عزت ما بستگی به مقام شاه و شاهی دارد و وقتی ما میدانیم که شاه ما در محظورات وزارت خارجه آمریکا ست و کوچکترین قدمی برای رفع آن برنمی‌داریم چه جای گله ای باقی میماند که گفته اند خود کرده را تدبیر نیست.

^۲ - امروزه کاملاً مشخص و روشن است که چون کشور های پذیرنده واز جمله و بیشتر از همه آمریکا در دادن «پول» به گروه هایی که شماری از ایرانیان را در خود جا داده باشد و کپی گواهی شده ای از پاسپورت یا کارت شناسایی آنان و شیوه فعالیتشان کاملاً مشخص شده باشد و در اختیار کشور پذیرنده یا دولت آمریکا گذارده شود تا امنیتی های آن کشور بتوانند در هنگامه ای که لازم است این اشخاص را ردیابی و مورد تماس قرار بدهند (مزدوری درخواست کنند!) به آن گروه ها پولهایی یا به صورت ماهانه یا یک مبلغ کلی پرداخت میکند. به همین دلیل هر روز همانند قارچ از هر گوشه یک گروه چند تنی آغاز به کار میکند و پس از مدتی تبش می افتد و فتیله چراغ پیه سوز آنان خاموش میشود. ح-ک